



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۴/۰۹

نگارگر

## و این عقبگرد های ما در تاریخ معاصر

نخستین پادشاه اصلاح طلب افغانستان مرحوم امیر شیرعلی خان بود که میخواست کشور خود را با معیارهای عصرش تغییر بدهد. جریده شمس النهار در عصر او به وجود آمد اما جنگ برادران سلطنت طلبش او را امان نداد و در آن روزگار نیز نفاق خارجی پای انگلیس هارا به افغانستان کشید و کشور مدتی باز گرفتار خانه جنگی شد و بیک حالت بی حکومتی بر افغانستان مستولی شد.

و هنگامی که تمام مظاهر پیشرفت در دیار ما از میان رفت عبدالرحمان خان آمد و آن شیرازه از هم گسسته را بهم گره زد و یک استقرار آهین به وجود آورد و به همین دلیل او را لقب امیر آهین دادند. او به استقلال داخلی از انگلیس قناعت کرد و باز کوشید جامعه را مطابق مزاج محافظه کار روحانیت حاکم بر مردم تغییر دهد.

عقبگرد دوم از امیر امان الله خان شروع شد. او جوان بود و تجربه لازم را نداشت و میخواست شب در میان قیافه عنعنوی کشور خود را تغییر بدهد. اما روحانیون تکفیرش کردند و کمربند حبیب الله کلکانی را بستند و از او در شورش برضد امان الله پشتیبانی کردند. اصلاحات امان الله کاملاً از میان رفت تا محمدنادر خان فراز آمد و پادشاهی را از حبیب الله کلکانی گرفت و در عهد او و پسرش اصلاحات تدریجی به میان آمد. فاکولته طب تأسیس شد؛ معارف نه به قدر نیاز مملکت بلکه در حدود امکانات توسعه یافت. محمد ظاهر شاه قانون اساسی تازه به وجود آورد و عهده صدارت را از خانواده سلطنتی باز گرفت. این بار جوانان که تجربه سیاسی نداشتند کار را بدانجا کشاندند و کار را به بی نظمی و آنچه بعدها محمد داوود خان آنرا انارشی خواند کشاندند. داوود خان گلیم سلطنت را جمع کرد و نخستین جمهوری را تأسیس کرد و تازه اصلاحات را آغاز کرده بود که حزب دموکراتیک خلق که اصل مبارزه پارلمانی و مسالمت آمیز را پذیرفته و تبلیغ کرده بود به کودتا توسل جست و باز اصلاحات داوودخان لغو شد و اینان کوشیدند اصلاحات انقلابی خود را پیاده کنند اما مشکل این بود که آنان در اسناد حزبی بعد از کودتا آشکارا از انقلاب برگشت نا پذیر ثور و حتی دکتاتوری پرولتاریا صحبت میکردند و هنگامی که قیام های مردم برضد شان اوج گرفت و از روسها تقاضای کمک نظامی کردند. معارف در همه افغانستان سقوط کرد و سربازان در کوچه و بازار جوانان را شکار میکردند و به جبهات جنگ می فرستادند. خانواده ها با قرض و قواله پول پیدا میکردند تا فرزندان خود را از معرکه جنگ به خارج روان میکردند. روس ها مداخله نظامی کردند و کشور بازیچه شرق و غرب و از جمله دو همسایه پاکستان و ایران گردید.

بالاخره انقلاب ثور برگشت پذیر گردید و نجیب الله را طالبان به شیوه بسیار فجیع کشتند. بعد از داوودخان کشور عملاً در تئور جنگ داخلی افتاده بود و در این جنگ مسئولیت عمده به گردن رهبران مجاهدین که اینان باید در یک محاکمه علنی به مردم و تاریخ پاسخ بگویند. طالبان اگرچه امنیت را تا حدی تأمین کردند ولی با امارت اسلامی و مداخله دولت در همه امور شخصی مردم میخواستند افغانستان را چارده صد سال به عقب برگردانند. افغانستان به یک مدرسه جنگ های چریکی بدل شد و دیگر از هیچ گونه اصلاحات خبری نبود و طالبان که معروض به تحریم های اقتصادی گوناگون بودند آشکارا می گفتند که مردم نان نمیخواهند بلکه «اسلام» میخواهند. این بدترین عقبگرد در تاریخ افغانستان بود و اینک اوضاع نشان میدهد که امریکا و همراه با امریکا ناتو در افغانستان شکست خورده است و خود را بدین تسلی میدهند که ما در افغانستان به اهداف خود رسیده ایم. اگر هدف شان در افغانستان ایجاد یک حکومت مبتنی بر فساد و رشوه خواری و نفاق ملی باشد هیچ شک نیست که امریکا به هدف خود رسیده است. ولی آیا افغانها هم به هدف خود رسیده اند؟ اکنون که امریکا و ناتو میخواهد همان نوت های چارتهک و نمبر بدل را با طالبان متحد نماید و یک حکومت هشت رخ و نه گرد دیگر ایجاد کند من نخست تصور نمیکنم که طالبان به خفت اتحاد به این گروه ها تن بدهند مگر این که ماهیت شان بدل شده باشد. و دوم اینکه افغانها به هدف خود نمی رسند اگر ماهیت حکومتی که

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

از این به اصطلاح اتحاد پیدا میشود افغانستان را به یک عقبگرد تاریخی دیگر مجبور بسازد. ایجاد شورای فقه یا پوست کنده تر بگویم شورای فقیهان طالب نمودار آشکار این عقبگرد است. شورای فقه یعنی یک شورای با صلاحیت فقیهان دیوبندی که بالاخره میخ بر تابوت آن جناح دیگر حکومت خواهد کوفت و طالبان صاحب قدرت بلامنازع خواهند شد. انتخابات زود هنگام تنها به یک شرط قابل پذیرش است که تحت نظارت جدی ملل متحد باشد و ملل متحد تضمین کند که تقلب در آن صورت نمیگیرد و من این را هم باور ندارم که طالبان بر حقوق زنان و آزادی های مدنی تجاوز نکنند. آخر بروید و از طالبان بخواهید که در سطح رهبری خود نشانی گفته یک زن را نشان بدهد که صلاحیتی در میان شان کسب کرده باشد. آخر عقل خود را قاضی بسازید. اگر طالب به عنوان یک جناح نیرومند بخشی از قدرت دولتی را تصرف کند آسان تر میتواند مرتکب قتل های هدفمند شود یا در حال حاضر. لطفاً جنابان ناتو و امریکا زندگانی این چند زن روشنفکر را به خطر نیندازید که دار و ندار این جامعه همین است. از من گفتن بود آنچه را مسئولیت خود می دانستم گفتم باقی شما دانید و دینگ و دینگ آخرت تان.

نگارگر ۸ اپریل ۲۰۲۱ برمنگهم